

روانشناسی محیطی، عرصه مشترک معماری و علوم رفتاری

دکتر عقیل امامقلی^۴، دکتر سیمون آیوازیان^۵، دکتر علی زاده محمدی^۶، دکتر سید غلامرضا اسلامی^۷

چکیده

در قرن معاصر موضوع رابطه انسان و محیط و قابلیت ترجمه آن به زبان طراحی محیط و معماری، مورد توجه پژوهشگران این حوزه از دانش بوده است. در این راستا شناخت انسان و ویژگی های محیط زندگی او و چگونگی برقراری رابطه میان این دو عامل اهمیت دارد. این مقاله مروری تحلیلی بر دانش روانشناسی محیطی، رابطه‌ی دو سویه بین محیط و انسان و همچنین نظریه‌ها و مکاتب این حوزه و تأثیر کیفیت محیط ساخته شده بر رفتار و روان انسان داشته است. در این بررسی مشخص گردیده که از تعامل دو حوزه علوم رفتاری و معماری، دانش میان رشته‌ای «روانشناسی محیطی» به تکوین رسیده و نظریه های طراحی بر پایه نیازها و درک انسان از محیط زندگی تدوین گردیده است، لذا می توان روانشناسی محیطی را عرصه مشترک معماری و علوم رفتاری قلمداد کرد. هدف معماران از پرداختن به این دانش، تحلیل رابطه انسان و محیط و کاربرد آن در طراحی معماری است.

واژگان کلیدی: انسان، روانشناسی محیطی، معماری، ادراک

۱- پیشگفتار

گسترش بی رویه و بی برنامه توسعه شهرها، افزایش فاصله محل کار و زندگی، افزایش تردهای شهری، عدم تشخیص نیازهای انسانی، آلودگی صوتی و بصری و هوا، فقدان مسکن مناسب و کیفی،

۱- دانش‌آموخته دکترای تخصصی معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران - مسول مکاتبات

aghi.emamgholi@gmail.com

۲- استاد معماری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

ayvasimon@yahoo.com

۳- دانشیار روانشناسی بالینی، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

dr.zadeh@gmail.com

۴- دانشیار معماری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

gheslami@ut.ac.ir

ازدحام و بروز تعارضهای اجتماعی، از میان رفتن حس تعلق به محیط و سایر عوارض را می توان بعنوان شرایط و کیفیات نامناسب شهری دانست که با ایجاد فشارهای روانی در افراد اثرات سوئی بر سلامت جسمی و روحی آنها می گذارد و موجب اختلال در عملکرد افراد در قلمرو اجتماعی، روانشناختی و جسمانی می گردد. این مسائل بر اهمیت پرداختن به موضوع کیفیت فضای زیست که بخشی از آن فضاهای ساخته ما بعنوان آثار معماری و فضاهای شهری می باشد را مشخص می سازد. معماران دریافته اند که طراحی برای ساخت محیطی همساز با خواست های انسان در جوامع و شهرهای بزرگ، مستلزم همگامی با دانش هایی است که آنها را در رفع کاستی ها یاری می سازد.

۲- مروری بر پیشینه دانش روانشناسی محیطی و روند توسعه

موضوع روانشناسی محیط از اواخر دهه ۶۰ قرن بیستم مطرح گردید. "پروشانسکی، ایتلسن و ریولین در سال ۱۹۷۰ میلادی ظهور علم روانشناسی محیط را در کتابی با عنوان «روان شناسی محیط: انسان و محیط اجتماعی- کالبدی» اعلام کردند" (عینی فر: ۱۳۸۸). البته پیش از این "در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، پژوهش هایی به جهت بررسی تأثیر متقابل انسان و محیط تحت عنوان «علوم اکورفتاری» یا «روانشناسی اکولوژیک» منتشر می شدند" (مرتضوی، ۱۳۸۰: ۱). توجه به مطالعه رفتار انسان و مکان و محیطی که رفتار در آن شکل می گیرد، ابتدا با واژه «روانشناسی بوم شناختی» ارائه شد. بر خلاف روان شناسان سنتی که پژوهش های انجام شده آنان توجهی به ارتباط بین رفتار انسان و محیط کالبدی او نداشت، در روان شناسی بوم شناختی مفهوم ارتباط انسان با محیط یا بوم خویش مورد توجه قرار گرفت. همچنین جنبش های دوره معماری مدرن در شکل گیری علم روانشناسی محیط نقش اساسی داشته است. نقدهای انجام شده در باب فضاهای کسالت آور و جرم خیز در مجتمع های مسکونی و شهرهای مدرن از جمله شهرک پروئیت ایگو در امریکا که نهایتاً منهدم گردیدند، را می توان سرآغازی بر لزوم توجه به نیازهای انسانی از محیط مطلوب دانست.

۳- مفاهیم و تعاریف مرتبط با محیط و روانشناسی

۳-۱- روانشناسی محیطی

تعاریف متفاوتی از روانشناسی محیطی ابراز شده است (جدول ۱). این دانش به عنوان شاخه ای از روانشناسی و زیر مجموعه ای از علوم رفتاری، به مطالعه رفتارهای انسان در رابطه با سکونتگاه یا محیط کالبدی پیرامونش می پردازد. اکثر پژوهشگران؛ اگون برونسویک، کورت لوین و رابرت گیفورد را پایه گذاران این رشته می داند. اگون برونسویک در سال ۱۹۴۳ برای نخستین بار اصطلاح «روانشناسی

محیط» را به کار برده است. ولی "در منابع آلمانی زبان، هلیپاخ (۱۹۰۲)، نخستین پایه گذار روانشناسی محیط نامیده می شود" (مرتضوی، ۱۳۸۰: ۶). مطالعات اولیه بارکر (۱۹۶۸) درباره قرارگاه رفتاری یا مکان- رفتارها در حوزه روانشناسی بوم شناختی و مطالعات سامر (۱۹۵۰) و آلتمن (۱۹۷۵) درباره فضاهای شخصی و رفتار اجتماعی، به عنوان زیربنای آن شناخته شده است.

جدول ۱: تعاریف ارائه شده از روانشناسی محیطی توسط نظریه پردازان

نام	زمان	تعریف ارائه شده از روانشناسی محیطی
کریک (Craik)	۱۹۷۰	مطالعه روان شناختی رفتار انسان، به گونه ای که به زندگی روزمره او در محیط کالبدی مرتبط باشد
گرامان (Graumann)	۱۹۷۶	روان شناسی محیط، مکمل روان شناسی عمومی فاقد محیط است
کانتر (Canter)	۱۹۸۱	شاخه ای از روانشناسی است، که به مطالعه و تحلیل تعاملات، تقابلات، تجارب و کنشهای انسان با جنبه‌های مختلف محیط اجتماعی و فیزیکی توجه دارد
راسل (Russell)	۱۹۸۲	حیطه ای از روانشناسی است، که به فراهم کردن رابطه نظام‌مند بین شخص و محیط می‌پردازد
هالاها (Holahan)	۱۹۸۲	روانشناسی محیط، مناسبات مشترک بین محیط فیزیکی و رفتار و تجربه انسان را مورد بررسی قرار می‌دهد
پروشانسکی (Proshansky)	۱۹۹۰	روانشناسی محیط، با تعاملات و روابط میان مردم و محیطشان سر و کار دارد
گیفورد (Gifford)	۱۹۹۷	روانشناسی محیط، بررسی متقابل بین فرد و قرارگاه فیزیکی وی است

منبع: نویسندگان

۳-۲- محیط

معماران، روانشناسان، جامعه شناسان و جغرافی‌دانان بر حسب رشته خود تعاریف و طبقه‌بندی‌های مختلفی از محیط دارند، به حدی که تعریف معنای دقیق آن دشوار است. "محیط، مفهومی است پیچیده و مرکب که ابعاد گوناگون دارد. داده های فضایی، جنبه های اجتماعی، فرهنگی، فیزیکی، معماری، نمادی، جغرافیایی، تاریخی، و زیستی از ابعاد مهم محیط محسوب می شوند" (مرتضوی، ۱۳۸۰: ۳۱). ادبیات محیط، بین واژه‌های متنوع؛ محیط کالبدی، محیط اجتماعی، محیط روانشناختی و محیط رفتاری تمایز قائل می‌شود. نکته اصلی این طبقه بندی‌ها، تمایز بین جهان واقعی، حقیقی یا عینی اطراف انسان و جهان پدیدارشناختی است که خودآگاه یا ناخودآگاه، الگوهای رفتاری یا

واکنشهای روحی مردم را تحت تأثیر قرار می دهد. «فضای اطراف» اصلی ترین معیار تعاریف محیط در رشته معماری است. بنابراین هر تعریف، توصیف، یا تبیین ماهیت کارکرد محیط باید با توجه به چیزی در فضای اطراف باشد.

۳-۳- ادراک

ادراک انسان از محیط از محوری ترین مقولات در روانشناسی محیطی و "فرآیند کسب اطلاعات از محیط اطراف انسان است" (لنگ، ۱۳۸۸: ۹۷). می توان گفت که ادراک انسان "در مرکز هر گونه رفتار محیطی قرار دارد زیرا منبع تمام اطلاعات محیطی است" (مک اندرو، ۱۳۸۷: ۳۶). ادراک محیطی فرآیندی است بر پایه ترکیب اطلاعات حسی و انتظارات مبتنی بر تجربه که از طریق آن انسان داده های لازم را بر اساس نیازش از محیط پیرامون خود بر می گزیند. لذا "هدفمند است و به فرهنگ، نگرش و ارزش حاکم بر تفکر ادراک کننده بستگی دارد. در حقیقت ادراک محیطی از تعامل ادراک حسی و شناخت که در ذهن انسان تجربه شده اند حادث می شوند. در این فرآیند نقش محیط به عنوان عاملی اساسی در رشد، توسعه و در نهایت در یادگیری مورد توجه قرار می گیرد" (مطلبی: ۱۳۸۰). "تنوع قابل ملاحظه شیوه های ادراک و شناخت را برخی معلول تجارب متفاوت افراد یا شخصیت و انگیزه ها و گروهی دیگر از متفکران، معلول هر دو می دانند" (مرتضوی، ۱۳۸۰: ۶۵).

۳-۴- انگیزش

انسان موجودی پیچیده است که دارای انگیزش های مادی، روحی و معنوی گوناگون و متفاوت می باشد. "انگیزش نیرویی است که هدایت کننده و سازمان دهنده ادراک، شناخت و یا رفتار هدفمند آدمی است" (مطلبی: ۱۳۸۰). انگیزش ها می توانند مادی و یا معنوی باشند و با تغییر در این انگیزش ها است که ناگهان شکل ها و قابلیت های محیط معنا می یابد و یا معنای خود را از دست داده به نابودی می گرایند.

۳-۵- نیاز های انسانی

رفتارها در جهت ارضای نیاز های انسانی شکل می گیرند. بنابراین تبیین نظریه طراحی معماری محیط، بر اساس مفاهیم نیاز های انسانی، یک ضرورت است. برای تعریف نیازهای انسانی مدل هایی تدوین شده است. دونمونه از این مدل ها برای تبیین قابلیت های انسانی محیط ساخته شده مورد استفاده طراحان محیط و معماران قرار گرفته است:

۳-۵-۱- مقیاس احساسات اصلی در رقابت الکساندر لیتون

مدل لیتون (۱۹۵۹) را می توان وسیله مناسبی برای درک ماهیت محیط ساخته شده و در عین حال احترام به انسان دانست، گرچه به نظر جان لنگ " این نیازها هم پیچیده اند و هم نظم و دسته بندی روشنی ندارند" (لنگ، ۱۳۸۸: ۹۶). لیتون نیازهای؛ امنیت فیزیکی، ارضای جنسی، ابراز دشمنی، ابراز عشق، حفظ علائق شخصی، شناسایی شدن، بیان خود انگیختگی، تشخیص جایگاه خود و دیگران در جامعه، حفظ و مراقبت از عضویت در گروهی معین و تعلق به یک نظم معنوی را تشخیص داده است.

۳-۵-۲- سلسله مراتب نیازهای انسانی آبراهام مازلو

مدل مازلو (۱۹۴۳ و ۱۹۵۴) با اینکه شبیه به مدل لیتون است ولی در معماری محیط، کاربرد بیشتری دارد. مازلو سلسله مراتبی از نیازها را از قوی ترین تا ضعیف ترین پیشنهاد کرده است. به ترتیبی که نیازهای قوی به نسبت به نیازهای ضعیف تر اولویت دارند. سلسله مراتب پیشنهادی او به ترتیب؛ نیازهای فیزیولوژیک، نیازهای امنیت و ایمنی، نیازهای عاطفی، نیاز به احترام و تعلق و نیاز به خود شکوفایی است که نیازهای شناختی و زیبا شناختی و تمایل به زیبایی را شامل می شود. این طبقه بندی برای تفکر طراحی معماران، چارچوب مناسبی را فراهم می آورد. "محیط ساخته شده نیازهای زیست شناختی انسان، مثل سرپناه؛ نیاز ایمنی، همچون امنیت فیزیکی و روانی؛ نیازهای تعلق و احترام را با نمادگرایی محیط و نیازهای زیبا شناختی را از طریق زیبایی صوری، تامین می کند" (لنگ، ۱۳۸۰: ۹۶). گرچه ممکن است تعداد معدودی از مردم به واسطه آموزش هایی که دیده اند، به نیازهای زیباشناختی بیش از نیازهای فیزیولوژیک اهمیت می دهند، ولی مسلم است که عمده مردم برای نیازهای قوی تر، اولویت قایل هستند. "مدل ارائه شده در روانشناسی انسان گرای مازلو و تعمیم دادن آن بر رفتارهای انسان در فضاهای معماری و شهری، می تواند سازوکار تجربه و تحلیل تعامل و ارتباط انسان و محیط ساخته شده را بدست دهد. این مدل به معماران و طراحان شهری کمک می کند تا به علل شکل گیری مجتمع های زیستی و فضاهای معماری در ارتباط با نیازهای انسان توجه نمایند" (مطلبی، ۱۳۸۰: ۶۲).

۴- مکاتب روانشناسی و محیط

مکاتب روانشناسی عمقی، رفتارگرایی و گشتالت را می توان سه مکتب اصلی روانشناسی مرتبط با محیط دانست که سایر نظریه ها شاخه های فرعی یا تلفیقی از آنها هستند.

۴-۱- روانشناسی عمقی

نظر زیگموند فروید موسس مکتب روان شناسی عمقی یا روانکاوی، بر این است که، "رفتار انسان تحت تأثیر غریزه های «عشق و زندگی- مرگ و نیستی» قرار می گیرد. امیال جنسی از «بن» یا «نهاد» سرچشمه می گیرند و زمانی که به «من» که در سطوح نیمه هشیاری و هشیار قرار دارد راه نیافته اند، به طور ناهشیار باقی می مانند. «خود» یا «من» نمایانگر واقعیت های جهان خارج است. جهان خارج شامل ابعاد فیزیکی و اجتماعی است" (مرتضوی، ۱۳۸۰: ۷).

یکی دیگر از نظریه پردازان این مکتب کارل گوستاو یونگ (۱۹۶۲) عقیده دارد: همانگونه که تحول و تکامل بدن انسان دارای میلیون ها سال تاریخ است، نظام روانی فرد نیز دارای چنین گذشته ای است و همان طور که هر عضو بدن به گونه ای نمایانگر این رشد و تحول تاریخی است، فعالیت های روانی نیز همانند خواب یا رویا، گذشته تاریخی- روانی را منعکس می کند.

۴-۲- روانشناسی رفتارگری

این رویکرد نگاهی علمی و سیستمی به موضوعات رفتاری دارد که قابل اندازه گیری و مشاهده هستند. محیط به عنوان مجموعه ای از محرکها، در رابطه با پاسخهای ارایه شده از سوی ارگانیزم، مورد بررسی قرار می گیرد. در این مکتب رفتار را در قرارگاهی مصنوعی مورد مطالعه قرار می دهند و در طرحها اجزایی از محیط به عنوان محرک یا درونداد مورد استفاده قرار می گیرند و پاسخهایی را که به صورت برونداد دریافت می دارند، مورد سنجش قرار می دهند. "محدودیت هایی که از روش پژوهش این مکتب سرچشمه می گیرند موجب می شوند شرایط محیطی مورد پژوهش قرار نگیرد" (همان: ۹). بطور کلی در این نوع تحقیق رفتار آن حالتی را که در محیطی طبیعی بروز می دارد، نداشته و شرایط طبیعی محیط مورد آزمون قرار نمی گیرد.

۴-۳- روانشناسی گشتالت

"روانشناسی گشتالت مکتب یا نظریه ای است که پدیده روانشناختی را کلیتی تجزیه ناپذیر می داند" (کپس، ۱۳۸۹: ۴۴). در این مکتب، پدیده ها و رویدادهای مرکب، از جمله رفتار را نمی توان به اجزاء ساده تجزیه نمود زیرا ترکیب و کل هر پدیده یعنی گشتالت آن با مجموع اجزاء آن تفاوت دارد. پژوهشگران مکتب گشتالت بیش از دیگر مکاتب به شرایط محیط توجه دارند آنها دریافتند که یک فرد علاوه بر اینکه ابتدا به کل موضوع توجه می کند، در ادامه اجزای تشکیل دهنده آن را درک و روابط موجود بین اجزاء را هم کشف می کند. گشتالت کلیتی مادی یا روانی است که اجزای آن به طور

منفرد فاقد چنان مختصاتی هستند. "روانشناسان گشتالت باور داشتند که انسان‌ها تمایلی ذاتی دارند تا دنیای ادراکی خود را تا حد امکان ساده سازمان دهند" (مک اندرو، ۱۳۸۷: ۳). مکتب گشتالت به ویژه در حوزه معماری بیشتر در نظریه‌های ادراکی محیط مورد توجه است. نظریه گشتالت در روشهای نظم بخشیدن به محیط و در طراحی چون زیباشناسی و وحدت فضای معماری هنوز در طراحی محیط استفاده زیادی دارند. در باب هنرهای بصری، "واژه گشتالت در آلمانی هم به معنی شکل و هم خصوصیت شکل است" (بل، ۱۳۸۲: ۷۲). در قوانین گشتالت، عواملی مانند: مجاورت، تشابه، بستگی، تداوم مطلوب، بسته بودن، سطح و تقارن، ادراک فرم را تحت تأثیر قرار می دهند. میراث نظریه گشتالت هم در روانشناسی و هم در طراحی محیط آثار مهمی داشته است.

۵- نظریه های حوزه روانشناسی محیطی

در هر دانشی از جمله روانشناسی محیطی، نظریات مختلف و متفاوتی وجود دارد که می توان به آن پرداخت. در اینجا نظریه هایی که مرتبط با بحث معماری و حوزه روانشناسی هستند، در موضوعات؛ رفتار در محیط، مکان و ادراک مرور می شود.

۵-۱- نظریه های رفتار در محیط

۵-۱-۱- نظریه روانشناسی میدان کورت لوین

کورت لوین (۱۹۴۷-۱۸۹۰)، رفتار را تابعی از فضای زیستی می داند و بیان می کند که رفتار تابع محیط ادراک شده است. او عقیده دارد رفتار تابع تأثیر متقابل عواملی است که از فرد از یک سو و از محیط از سوی دیگر، سرچشمه می گیرند. وی برای بیان پدیده حاصل از تأثیر متقابل عوامل فردی و محیطی، از مفهوم «فضای زیستی» استفاده می کند و می گوید: "هر گاه بخواهیم رفتار کسی را پیش گویی کنیم، باید از علائم ریاضی استفاده کنیم تا همه‌ی عوامل موجود در «میدان روانی» منعکس شود" (لوین، ۱۹۶۳: ۲۷۲). چون نیازها بعنوان سازمان دهنده رفتار انسان، دارای جهت و شدت معینی هستند، این علایم با «بردار» بیان می شوند.

"لوین باور داشت که بازنمایی درونی فرد از محیط عامل اصلی تعیین حرکت در فضای زندگی است. به بیان دیگر باورهای فرد در مورد محیط که به شکلی ذهنی بازنمایی شده‌اند بیش از خود محیط، بر رفتار او تأثیر می گذارند. با این وجود در نهایت همین بازنمایی درونی می تواند بر ادراک شخصی از محیط اثر گذارد. آن ادراک، شبیه‌سازی قوی از محیط واقعی است" (مک اندرو، ۱۳۸۷: ۵). بنابر این نظریه پیوند درونی میان رفتار انسان و محیط فیزیکی وجود دارد.

۵-۱-۲- نظریه روان شناسی اکولوژیک بارکر

«نظریه اکولوژیک» یا «بوم شناسی» بارکر به بررسی فرآیندهای رفتاری که به صورت جمعی روی داده و در قرارگاههای رفتاری خاص بروز می کند، می پردازد. حوزه روانشناسی بوم‌شناسی بر نقش موقعیت فیزیکی در خلق رفتار انسان تأکید داشته و به تأثیر محیط فیزیکی بر مردمی که از آن بهره می‌برند، می‌پردازد. «روانشناسی اکولوژیک در رویکردهای سنتی تحقیق روان شناسی تغییراتی اساسی ایجاد کرد. این رویکرد به جای مطالعه آزمایشگاهی رفتار فرد، به رفتار فرافردی در محیط زندگی روزمره توجه دارد» (لنگ، ۱۳۸۸: ۱۲۷). به نظر وی؛ «برای کسب آگاهی علمی درباره‌ی شاخص‌های متوسط پدیده‌های روان‌شناختی و تنوع آن‌ها در جمعیت، لازم است رفتار در چهارچوب محیط طبیعی خود مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا به کمک پژوهش‌های آزمایشگاهی نمی‌توان به این پی برد که چقدر عشق، فشار، تعارض، بازی، تنبیه یا تشویق در جهان وجود دارد» (مرتضوی، ۱۳۸۰: ۱۴). از نظر بارکر؛ محیط به وجود آورنده قرارگاه‌های رفتاری است و در تعیین رفتار مهمتر از فرد است. به این معنا که قرارگاه رفتاری بستر طیفی از رفتارها که ممکن است رخ بدهند را تعیین می‌کند. از نظر او در هر قرارگاه رفتاری محرک‌های قابل تشخیصی وجود دارند که شامل جنبه‌های کالبدی و اجتماعی هستند. از این رو می‌توان با تغییر اشیاء موجود در یک قرارگاه رفتاری باعث تغییر رفتار در آن شد.

۵-۲- نظریه‌های مکان

یکی از مهمترین مباحث طراحی معماری، چگونگی خلق فضا است. اما مفهوم مکان متفاوت از فضا است و به تعبیر شولتز " هستی فضاها از مکانها است نه از خود فضا" (نوربرگ شولتز: ۱۳۵۳). "مکان فضای دارای معنا است، به همین دلیل مکان را قسمتی از فضا که به وسیله روابط اجتماعی مشخص می‌شود، تعریف کرده‌اند" (مدیری: ۱۳۸۷). بنابر این، مکان ماهیتی روانشناختی به خود می‌گیرد که به سایر علوم رفتاری نیز مرتبط می‌شود. "راپاپورت مکان را یکی از چهار عنصر تعریف کننده فضا معرفی می‌کند که در ترکیب با معنی، زمان و ارتباطات، محیط انسان ساخت را شکل می‌دهند" (راپاپورت: ۱۳۸۴). از میان نظریات مکان به نظریه کانتر و شولتز، که انسان و حضور و تعامل او با محیط در آن نقش بیشتری دارد، اشاره می‌شود:

۵-۲-۱- نظریه مکان کانتر

کانتر (۱۹۸۶)، مکان را تلفیقی از فعالیتها، مفاهیم ارزشی و محیط کالبدی می‌داند که به واسطه فصل مشترک از انطباق این سه حوزه بدست می‌آید. بر این اساس می‌توان گفت، رویکردهایی که به مکان وجود دارد با تأکید و توجه به بعضی یا ترکیبی از این مؤلفه‌ها شکل می‌گیرد. "از نظر کانتر، مکان نمی‌تواند مستقل و جدای از انسان در نظر گرفته شود. مردم همیشه رفتارها و اعمال خود را با هر مکان خاص تطبیق می‌دهند و ماهیت آن مکان عامل مهمی در فهم عمل و تجربه آنها می‌شود." بر اساس مدل کانتر، مکان بخشی از فضای طبیعی یا انسان ساخت است که از نظر مفهومی یا مادی محدوده‌ای مشخص دارد و حاصل تعامل عوامل رفتاری، مفاهیم قابل دریافت توسط انسان و ویژگی‌های کالبدی محیط است" (عینی فر: ۱۳۸۸).

۵-۲-۲- نظریه «روح مکان» شولتز

کریستین نوربرگ شولتز (۱۹۸۰) برپایه نظریه‌های پدیدار شناسی ادموند هوسرل و مارتین هایدگر، در تعریف ماهیت مکان؛ آن را کلیاتی شامل اشیاء عناصر کالبدی ساخته شده و آنچه که در واقع ماهیت یا روح مکان محسوب می‌شود، نامگذاری می‌کند و ساختار مکان را شامل منظر، سکنی‌گزینی، فضا و شخصیت می‌داند و چهار ویژگی انسانی را در ارتباط با محیط بیان می‌کند:

الف) حالت روحی: بدین معنا که ذهن انسان در مرحله، بدون نیاز به واسطه، با محیطش ارتباط برقرار می‌کند.

ب) فهمیدن: حاکی از ادراک و شناخت محیط از طریق تشخیص جهت و راه است.

ج) گفتگو: نشان دهنده معانی و پیوند میان انسان و مکان و درگیر شدن عالم مکان با عالم انسان است.

د) هستی با دیگران: به این امر اشاره دارد که انسان عالم خود را با دیگران تقسیم می‌کند.

(نوربرگ شولتز، ۱۳۸۲)

۵-۳-۱- نظریه‌های ادراک محیط

۵-۳-۱- نظریه الگوی عدسی (کنش‌گرایی احتمالی) اگون برانسویک

نظریه برانسویک (۱۹۵۶) می‌گوید: "اطلاعات حسی هرگز به طور دقیق دنیای واقعی را منعکس نمی‌سازد و محیط به خاطر ماهیتش مبهم باقی می‌ماند. افراد بایستی از این اطلاعات ناقص استفاده کنند تا به قضاوت‌های احتمالی در مورد ماهیت درست محیط برسند. در الگوی عدسی‌ها، فرآیندهای

ادراکی انسان بسیار شبیه به عدسی‌های چشم یا دوربین عمل می‌کنند" (مک اندرو، ۱۳۸۷: ۳۸). در این الگو، فرآیندهای ادراکی دسته‌های پراکنده محرک‌های محیطی را دریافت کرده، آنها را پالایش نموده و به صورت ادراکی منظم و یکپارچه درمی‌آورند. انسانها از طریق تجربه می‌آموزند که کدام محرک‌ها بازتاب دقیق‌تری از محیط هستند، و این نوع محرک‌ها در سازمان ادراکات آتی از اهمیت بیشتری برخوردارند.

۵-۳-۲- نظریه کنش متقابل ادراک ویلیام ایتلسن

نظریه کنش متقابل بر نقش تجربی ادراک تاکید دارد و رابطه‌ای پویا بین فرد و محیط را مبنای تحلیلی قرار می‌دهد. در این نظریه، محیط، مشاهده‌گر و ادراک وابستگی متقابل دارند. ویلیام ایتلسن (۱۹۶۰) فرایند را این گونه تعریف می‌کند: "ادراک بخشی از فرایند زندگی است که به وسیله آن هر یک از ما، از دیدگاهی نظری خاص، برای خود جهانی را تصور می‌کنیم که در آن ... نیازهای ما ارضا می‌شود." (لنگ، ۱۳۸۳: ۱۰۱). نقش مهم نظریه کنش متقابل در معماری و طراحی تشخیص این است که، مردم در محیط به چه چیزهایی توجه می‌کنند و اهمیت می‌دهند زیرا "معماری ارتقا دهنده کیفیت زندگی بر مبنای ادراکات حسی است" (پالاسما، ۱۳۸۸: ۸۴).

۵-۳-۳- نظریه قابلیت‌های محیطی گیبسون

لغت « قابلیت » را روان شناسی به نام جیمز جی گیبسون (۱۹۷۹) مطرح کرد. نظر گیبسون بر این است که ترکیب مواد و سطوح گوناگون تشکیل دهنده جهان، کشف برخی قابلیت‌های محیطی را آشکار می‌سازد. مردم محیط‌های طبیعی و مصنوع را برای دگرگون کردن قابلیت‌ها تغییر می‌دهند. "در حقیقت محیط کالبدی از مجموعه‌ای از سطوح تشکیل شده است و آدمی با تغییر در این سطوح است که ساختمانها را بنا می‌کند و در نتیجه معانی سطوح و یا محیط ساخته شده را تغییر می‌دهد. به طور مثال، یک سطح افقی استوار ادامه حرکت مستقیم را تامین و یک سطح عمودی محکم، ادامه حرکت را متوقف می‌کند" (مرتضوی، ۱۳۸۰: ۷۳). کافکا (۱۹۳۵) معتقد بود که اشیاء کیفیتی درخواست کننده یا دعوت کننده دارند.

به نظر گیبسون، "بنا با موجودیت خود چیزی را پیشنهاد می‌کند" (لنگ، ۱۳۸۸: ۹۱). تشخیص قابلیت‌های شی یا محیط، به ویژگی‌ها، تجربه‌ها و شایستگی‌ها و نیازهای مشاهده‌گر مبتنی است. "یک محیط ممکن است دارای قابلیت‌هایی خاص برای فرد خاصی باشد اما در عین حال برای شخص

دیگری این قابلیت ها (بیشتر بعلت عدم دانش به وجود آنها) بی معنی بوده و آن محیط آنها را بر او آشکار نسازد" (مطلبی، ۶۲: ۱۳۸۰).

۵-۳-۴- نظریه ویژگی های جلب کننده برلین

نظر برلین (۱۹۷۲) بر این است که، محرک های محیطی دارای ویژگی های متعدد و چشمگیری مانند؛ تازگی، ناهمسویی، پیچیدگی و غیره منتظره بودن است. این ویژگی ها مشاهده گر را بر آن می دارند که دقت، بررسی و مقایسه کند. ویژگی های محیط می تواند: (الف) ماهیت روانی - فیزیکی داشته باشد (مثل: رنگ، شدت)؛ (ب) ماهیت اکولوژیکی داشته باشد یا (ج) ماهیت ساختاری و اجتماعی داشته باشد (متغیر هایی چون سادگی یا پیچیدگی، انتظار رفتن یا شگفت زدگی، وضوح یا ابهام)، باشد. "این ویژگی ها توجه انسان را جلب می کند و «قضاوت زیبایی شناختی» را از طریق نیاز به «لذت طلبی» (زیبا بودن یا لذت بخشیدن) یا تحریک حس «تردید» متاثر می سازد. نقاشی هایی که از نظر ویژگی های نظیر تازگی، ناهمسویی، پیچیدگی، غیر منتظره بودن در سطح متوسط باشند، زیباتر از تابلوهایی به نظر می رسند که همین ویژگی ها در آن ها بسیار زیاد یا اندک است" (مرتضوی، ۱۳۸۰: ۷۴). این نظریه بر تأثیر پذیری انسان از تصاویر معماری محیط ساخته شده تأکید دارد.

۵-۳-۵- نظریه اصل وضوح فضاها لینچ

نظریه کوین لینچ (۱۹۶۰) بر این است که بازشناسی و سازماندهی فضاهای گسترده تر، همانند یک شهر و جهت یابی در آنها، تابع میزان «وضوح» یا «خوانا بودن» این گونه فضاهاست. او عقیده دارد پنج عامل؛ راه، لبه، محله، گره و نشانه، در کسب تصویری روشن از نقشه شهر نقش دارد. بنابر این نظریه، هر چه عوامل موثر در ایجاد وضوح بیشتر باشد و موثرتر عمل کند، شناخت محیط و کاربرد آن آسان تر می شود. بسیاری از برنامه ریزی های شهری بر مبنای نظریه فوق انجام می شود.

۶- محیط و رفتار انسان

رابطه انسان - محیط رابطه ای دوسویه است. هر دو به نوعی بر هم تأثیر گذارده و از هم متأثر می شوند. "الگوی رویدادهایی را که بر زندگی در بناها و شهرها غالب است، نمی توان از فضاهایی که در آن رخ می دهند، جدا کرد" (الکساندر، ۱۳۸۶: ۶۱). انسان، بسته به ارزشهای فرهنگی محیط خود، به برخی فضاها، محرک ها و رویدادها معنی می بخشد و متناسب با آنها رفتار می کند. شناخت، توصیف و تبیین رفتار انسان به درک رابطه محیط و رفتار کمک می کند و درک نقش محیط ساخته شده در

زندگی مردم نیازمند فهم و درک ماهیت انسان است. "محیط و رفتار آن قدر در هم تنیده شده اند که به سختی می توان آنها را از هم تفکیک کرد. رفتار را نمی توان مستقل از رابطه درونی آن با محیط درک کرد، رفتار را باید در بستری محیطی تعریف کرد" (آلمن، ۱۳۸۲ : ۲۵۲).

۶-۱- محیط کالبدی و رفتار انسان

نظریه های گوناگون را در ارتباط با تاثیر محیط بر رفتار انسان و چگونگی ارتباط و تعامل بین محیط کالبدی و تجربه انسان از آن وجود دارد. روان شناسی محیط به دنبال خلق تئوری هایی در مورد رفتارهای انسان در محیط روزمره و بوم اوست، به گونه ای که بتوانند مورد استفاده معماران قرار گیرند. آموس راپاپورت (۱۹۷۷) سه نظریه متداول در حوزه نحوه تعامل میان محیط کالبدی و رفتار انسان را بیان می کند که در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲: نظریه های تأثیر محیط کالبدی بر رفتار انسان

گرایش رفتار- محیط	ویژگی اصلی	طرفداران اولیه
جبر گرایی محیطی	تغییر در منظر و عناصر معماری محیط، به تغییراتی در رفتار و به ویژه در رفتار اجتماعی منجر می شود.	معماران و شهرسازان دوره مدرن
اختیار گرایی محیطی (امکان گرایی)	محیط معمولاً باعث بروز رفتار نمی شود، بلکه زمینه ای برای وقوع رفتار است و افراد براساس معیارهای فرهنگی دست به انتخاب زده و رفتار می نمایند.	جامعه شناسان و دانشمندان جغرافیای شهری
احتمال گرایی	تأثیر محیط کالبدی بر رفتار، یک تأثیر احتمالی است و برحسب ویژگی های محیط احتمال وقوع رفتاری خاص در برخی از محیط ها نسبت به برخی دیگر بیشتر یا کمتر است.	روانشناسان محیط

منبع: نویسندگان با اقتباس از راپاپورت

۶-۲- جو محیط پیرامون و فشار روانی محیط

جو نامناسب که معمولاً در اثر جمع شدن عوامل بازدارنده مختلف مانند روابط عاطفی- اجتماعی نامناسب بین افراد به دلیل شرایط فیزیکی و معماری نامناسب مانند: نور کم، رنگ نامناسب دیوارها یا وسایل و غیره به وجود می آید، رفتار را به طور غیر مستقیم تحت تأثیر قرار می دهد. "محیط می تواند

حتی بعد از آن که ما آن را ترک گفتیم، بر حالات خلقی ما اثر بگذارد و تاثیر خلق در حافظه عاطفی و عملکرد تکالیف شناختی و خلاقانه به اثبات رسیده است. فشار روانی ناشی از تعامل میان رویدادهای بیرونی، شناخت ها و پاسخ های هیجانی است. ماهیت فشار روانی که هر فرد تجربه می کند تا حدی به مزمن یا حاد بودن آن بستگی دارد" (مک اندرو، ۱۳۷۸: ۱۱۵).

۳-۶- رفتار فضایی و فضای شخصی

رفتار فضایی و فضای شخصی دو موضوع مرتبط به انسان و محیط پیرامون اوست. "انسان برای ارضای نیاز های فیزیولوژیک و اجتماعی خود و به منظور ایفای نقش های اجتماعی، احتیاج به فضاهایی با حدود و شرایط مناسب دارد و فقط هنگامی که نتواند شرایط مورد نظر را به وجود آورد، تغییر رفتار می دهد و خود را با شرایط موجود سازگار می کند" (مرتضوی، ۱۳۸۰: ۳۵).
پیشگام علم رفتار فضایی انسان، مردم شناسی به نام ادوارد تی هال (۱۹۶۶) بود. وی در کتاب «بعد پنهان»، فضای شخصی را حبابی کوچک در فضای فیزیکی فرض می کند که فرد در مرکز آن قرار می گیرد. او معتقد است که: "این شعاع تابع داده های فرهنگی است" (هال، ۱۳۸۷: ۱).
رابرت سامر (۱۹۶۹) در کتاب «فضای شخصی؛ بنیان رفتاری طراحی»، عنوان می کند که، فضای شخصی محدوده ای غیر قابل رویت در اطراف فرد است که مزاحمی به آن راه ندارد. به تعبیر آلتمن، "فضای شخصی رمز نامرئی پیرامون فرد است" (آلتمن، ۱۳۸۲: ۶۴). متغیرهای متعددی مانند، عوامل موقعیتی، سن، جنسیت و زمینه های نژادی و فرهنگی بر اندازه و شکل فضای شخصی تأثیر می گذارند. تأثیر فضای شخصی در طراحی معماری محیط بر اندازه و تناسب فضاهای زندگی، بخصوص خانه ها در برخی کشورها نمود بیشتری داشته است.

۴-۶- قلمرو

لئون پاستالان (۱۹۷۰) قلمرو مکانی انسان را این گونه تعریف کرده است: "قلمرو مکانی فضای محدود شده ای است که افراد و گروه ها از آن به عنوان محدوده اختصاصی استفاده و دفاع می کنند" (لنگ، ۱۳۸۸: ۱۶۹). بر خلاف فضای شخصی که با شخص حرکت می کند و متناسب با موقعیت تغییر می یابد، قلمرو یک مکان جغرافیایی تثبیت شده است. "قلمرو گرایی تلاش برای تأثیر گذاری یا اعمال کنترل بر اعمال فرد دیگر از طریق تنظیم محیط جغرافیایی و اشیای موجود در آن است" (مک اندرو، ۱۳۸۷: ۱۷۸). تعریف ایروین آلتمن از قلمرو مکانی، ساز و کاری برای فراهم آوردن خلوت است. بعضی از ویژگیهای اصلی قلمرو مکانی عبارتند از: (الف) احساس مالکیت و حق انسان نسبت به یک مکان (ب)

شخصی سازی و نشانه گذاری یک محوطه (ج) حق دفاع در مقابل مزاحمت (د) تامین کارکردهایی که از نیازهای فیزیولوژیک تا نیازهای شناختی و زیبا شناختی را شامل می شود.

۶-۵- تراکم و ازدحام

تراکم به معنی نسبت تعداد نفرات به واحد زمین است و بر خلاف ازدحام، می توان آن را به دقت اندازه گیری نمود. ازدحام با تراکم جمعیتی متفاوت است. "تراکم توصیفی عینی است و ازدحام پدیده ای است تابع تجربه فرد. هر چند تراکم جمعیت در پیدایش احساس ازدحام نقشی اساسی دارد، ولی این احساس پدیده ای است ذهنی، زیرا تحت تأثیر عوامل روان شناختی از یکسو و عوامل محیطی و فرهنگی از سوی دیگر قرار می گیرد" (مرتضوی، ۱۳۸۰: ۸۱). ازدحام با احساس عدم کنترل بر محیط همراه است؛ و تحت تأثیر ادراک فرد از میزان کنترلی است که دیگران بر مزاحمت های خود دارند" (لنگ، ۱۳۸۸: ۱۶۷). با این وجود، تراکم احتمالاً تأثیرگذارترین عامل در تعیین مقدار ازدحامی است که مردم احساس می کنند. "ازدحام به عنوان حالتی منفی و ناخوشایند تعریف شده است" (مک اندرو، ۱۳۸۷: ۲۰۸). بین افراد و گروه های اجتماعی از نظر احساس و تحمل ازدحام تفاوت های چشمگیری وجود دارد، به طوری که برخی افراد ترجیح می دهند در شهرها و محله های پر جمعیت سکونت کنند و برخی دیگر در مناطق کم جمعیت نیز احساس ازدحام می کنند. معماری بناها و فضاها، عامل موثر کنترل کننده احساس مردم از ازدحام در آن محیطها هستند. با اتخاذ تصمیم مناسب در طراحی معماری محیط از جمله، رنگ، نور، بافت، هندسه، تناسبات و غیره، می توان از شرایط نامناسب ازدحام در برخی از فضاهای معماری کاست.

۷- معنا و زیبایی

معنا و زیبایی معماری محیط دو مفهوم جدا و در عین حال مرتبط با هم و مرتبط با ارزشهای احساسی و روانی انسان است که به وسیله ادراکات حسی درک می شود. می توان گفت که، "معماری، هنر مصالحه مابین ما و جهان پیرامون ماست و این میانجیگری از طریق ادراکات حسی رخ می دهد" (پالاسما، ۱۳۸۸: ۸۶). دو موضوع مهم هنر، زیبایی و معنای اثر است، علم زیبایی شناسی به بررسی احساس محیط و موقعیت فرد در داخل آن می پردازد. معنا را می توان ارزش هنر قلمداد کرد زیرا "معنایی و ارزشگذاری اساساً به هم وابسته و مرتبط اند" (وینترز، ۱۳۸۸: ۳۶). معنا و زیبایی به دلیل حضور احساس و اندیشه، موضوع مشترک معماری و علوم انسانی و از آن جمله روانشناسی است.

۷-۱- معنای محیط ساخته شده

"معنای یک محیط حاصل تعامل بین توانش های آن محیط و نیازهای فردی و جمعی استفاده کننده آن است" (مطلبی، ۱۳۸۰: ۶۳). دغدغه معماری و محیط معنا گرا، شناخت معانی و مفاهیم نهفته در محیط و اثر معماری است و اثر هنری ابزاری است برای رساندن پیامهای معنوی و معنایی. همان گونه که نیازهای انسان در سطوح مختلف از زندگی او و در شرایط گوناگون، متفاوت است، معنای محیط نیز در سطوح گوناگون آن می باید مورد بررسی قرار گیرد. (جدول ۳)

جدول ۳: سطوح مختلف معنای محیط ساخته شده از نگاه گیبسون

توضیح معنایی لایه ها	معنای محیط ساخته شده	لایه های معنایی
در معنای ایستایی و استحکام به ساختمان و بنا از نگاه ساختاری، مقاومت و پایداری آن در مقابل بارهای وارده توجه می شود.	معنای ایستایی و استحکام	سطح اول
معنای سودمندی یک ساختمان، قابلیت کاربردی و عملکردی بنا است که برخی مواقع برای استفاده به غیر از کاربرد اولیه خود بکار گرفته می شود.	معنای سودمندی	سطح دوم
در معنای ابزاری، بنای یک ساختمان کاربرد مشخص و از پیش طراحی شده را به عهده می گیرد و مانند یک ماشین عمل می کند.	معنای ابزاری	سطح سوم
از نگاه معنای ارزشی و عاطفی، معنای یک بنا با عواطف درونی ادارک کننده ارتباط دارد.	معنای ارزشی و عاطفی	سطح چهارم
معنای نشانه ای بنا به علامت و نشانه ای از موضوع دیگر اشاره دارد، مانند آثار معماری به مثابه نماد یک شهر و یا کشور و یا یک دوره زمانی.	معنای نشانه ای	سطح پنجم
درک معانی نمادین، رمزی و یا سمبلیک از طریق تداعی معانی با مفاهیمی خاص (مانند معانی مقدس) که در دنیای مادی قابل لمس نیستند و یا حضور کالبدی ندارند، به وجود می آیند.	معنای نمادین و رمزی	سطح ششم

ماخذ: نویسندگان

۷-۲- زیبا شناسی محیط و معماری

زیبایی در کنار استحکام و راحتی به عنوان سه اصل مهم معماری در قدیمی ترین منبع مکتوب معماری با عنوان «ده کتاب» توسط ویتروویوس در قرن اول میلادی مورد توجه بوده است. البته واژه زیبا شناسی را در سال ۱۷۵۰ الکساندر بلوم گارتن برای بیان مفهوم سلیقه در هنرهای زیبا که به

مفاهیم ادراک ربط دارد، را ابداع کرد. "از قرن ها پیش به موازات پرداختن به زیبایی شناسی در مباحث فلاسفه، هنرمندان و معماران، جستجو برای تدوین علم اثباتی زیبا شناسی نیز جریان داشته است" (لنگ، ۱۳۸۸ : ۲۰۷).

جدول ۴: رویکردهای نظری زیبایی شناسی محیط

توضیحات	بیان کننده	ریشه	رویکرد	
ساختمان و محیط کالبدی، ترکیبی از اجزائی است که هر کدام پیامی را منتقل می کنند. لذت بخش بودن پیام وابسته به ساختار و محتوای پیام آن است. هرچه پیام منظم تر باشد، مفهوم تر و لذت بخش تر است.	آبراهام مولس (۱۹۶۶)	روان شناسی ادراک	رویکرد نظریه - اطلاعات	رویکردهای نظری زیبایی شناسی محیط
نظم های پیچیده تر لذت بیشتر ایجاد می کنند. زیبایی از رابطه نظم و پیچیدگی به دست می آید. هرچه کثرت معانی بیشتر باشد محیط لذت بخش تر است.	رودلف آرنه‌هایم (۱۹۷۱)			
رویکرد معناشناسی به جای اتکا به الگوی ساختار محیط بر معنای عناصر محیطی متکی است. معنا، تداعی آگاهانه میان موضوع یا اثر و یک انگاره است.	میر چادالیاده (۱۹۵۴)	فلسفه و دین	رویکرد معناشناسی	
یک عنصر معماری و محیط، ممکن است در مکانهای مختلف معانی متفاوتی داشته باشد، لذا اهمیت زمینه مورد تاکید است.	فردیناند سوسور (۱۹۱۵)	زبان شناسی	رویکرد نشانه شناسی	
میزان انگیختگی یک فرد با ادراک او از جالب بودن محیط همبستگی دارد. سطح انگیختگی وابسته به ساختار محیط، شخصیت، انگیزش و نیاز های فردی است.	برلاین (۱۹۷۲)	روان شناسی گشتالت	رویکرد روان شناسی زیست شناختی	

ماخذ: نویسندگان

جمع بندی بحث

جدول ۵: انواع نگرش به انسان در روانشناسی محیط و علوم رفتاری

نوع نگرش به انسان	ویژگی ها
انسان، پدیده ای مکانیکی	آنتروپومتریک: ابعاد فیزیکی انسان و محدودیتها و توانایی های او
	ارگونومیک: مسایل مربوط به رابطه انسان و ماشین
انسان، پدیده ای ادراکی و انگیزه ای	انسان مجموعه ای از فرایندهای درونی (ادراک حسی و عقلی) و تاثیرپذیر از انگیزه و هیجانات همراه با محرکهای محیطی و عکس العمل های معنایی و محتوایی نسبت به محیط است.
انسان، پدیده ای متجلی در رفتار	از طریق مطالعه رفتار انسان می توان به خصوصیات او پی برد.
انسان، پدیده ای مبتنی بر بوم و محیط	انسان به عنوان پدیده ای مرکب از قابلیت های درونی (ادراک حسی و عقلی) و نمودهای بیرونی (صورت‌های مختلف رفتار) در رابطه با محیط است.

ماخذ: نویسندگان با برداشت از رازجویان (۱۳۷۵)

الف) اگر این تعریف از معماری را بپذیریم که، معماری شکل دادن هدفمند به مکان زندگی انسان است، فعل معماری به دو عامل «شکل» و «زندگی» توجه دارد. اثر معماری همانند ظرف است و معمار در پی ساختن این ظرف، و آنچه در این ظرف می آید «زندگی انسان» است. نگرش به انسان در علوم رفتاری بر حسب طرز تفکر مکاتب فکری مختلف نتایج متفاوتی را در پی داشته است. (جدول ۵)

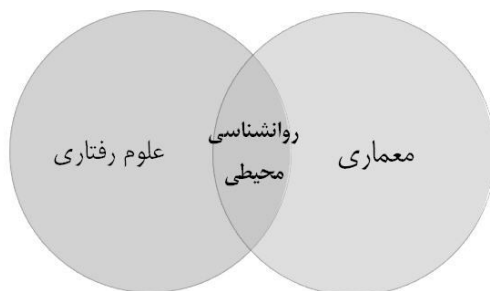
ب) "از زمان رنسانس، پژوهشگران و نویسندگان زیادی بین عناصر هنری و غیر هنری محیط، یعنی بین معماری و ساختمان، تمایز قائل شده‌اند" (لنگ، ۱۳۸۸ : ۲۰۷). معماری بعنوان هنر، ارتباط پیوسته‌ای با علوم انسانی و علوم رفتاری دارد. زیبایی، معنا، ادراک، احساس، اندیشه، نیازهای انسانی، راحتی، آسایش، تعالی، تکامل و بسیاری دیگر، از لغات مشترک حوزه معماری و روانشناسی است.

نمودار ۱: تعریف کلی و مصطلح از معماری



ج) دانش روانشناسی محیط حوزه مشترک بین علوم رفتاری و معماری است که از طریق ائتلاف آنها متعاقب جنگ‌های جهانی و پس از نارضایتی مردم از فضاهای معماری مدرن، که انگیزه و نیازهای غیر مادی انسان در آن جلوه ای نداشته، پدید آمده که هدف آن مطالعه انسان در محیط واقعی است. مباحث مشترک که در این مقاله به آنها اشاره شد معماری و علوم رفتاری و خصوصا روانشناسی را به هم پیوند می‌دهد.

نمودار ۲: روانشناسی محیطی، عرصه مشترک معماری و علوم رفتاری



منابع

الف) فارسی

۱. آرنه‌ایم، رودلف (۱۳۸۶): هنر و ادراک بصری، روانشناسی چشم خلاق، ترجمه مجید اخگر، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۲. آرنه‌ایم، رودلف (۱۳۸۶): پویه شناسی صور معماری، چاپ دوم، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) و فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
۳. آلتمن، ایروین (۱۳۸۲): محیط و رفتار اجتماعی، خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام، ترجمه علی نمازیان، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۴. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۶): معماری و راز جاودانگی، راه بی زمان ساختن، ویراست دوم، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی با مقدمه مهدی حجت، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۵. ایروانی، محمود . خداپناهی، محمد کریم، (۱۳۸۷)، روانشناسی احساس و ادراک، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۶. بل، سایمون (۱۳۸۲): منظر، الگو، ادراک و فرایند، ترجمه بهناز امین زاده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۷. پارسا، محمد (۱۳۸۲): بنیادهای روان شناسی (روان شناسی عمومی)، چاپ دوم، تهران، انتشارات سخن.
۸. پالاسما، یوهانی (۱۳۸۸): چشمان پوست، معماری و ادراکات حسی، ترجمه رامین قدس، تهران، انتشارات گنج هنر و پرهام نقش.
۹. رازجویان، محمود (۱۳۷۵): نگاهی به ائتلاف معماری و علوم رفتاری در نیم قرن گذشته، نشریه علمی پژوهشی صفا، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۳.
۱۰. کپس، جنوگی (۱۳۸۹): زبان تصویر، چاپ نهم، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران، انتشارات سروش.
۱۱. لنگ، جان (۱۳۸۱): آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، چاپ چهارم با اضافات، ترجمه علیرضا عینی فر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. مایس، پی یر فون، (۱۳۸۷): نگاهی به مبانی معماری از فرم تا مکان، چاپ سوم، ترجمه و تعلیق سیمون آیوازیان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۳. مدیری، آتوسا (۱۳۸۷): مکان، نشریه علمی پژوهشی هویت شهر، دانشکده هنر و معماری علوم و تحقیقات تهران، شماره ۲.
۱۴. مرتضوی، شهرناز (۱۳۸۰): روانشناسی محیط، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۵. مطلبی، قاسم (۱۳۸۰): روانشناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری، نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران، شماره ۱۰.
۱۶. مک اندرو، فرانسیس تی (۱۳۸۷): روانشناسی محیطی، ترجمه غلامرضا محمودی، تهران، انتشارات زریاف اصل.
۱۷. نوربرگ شولتز، کریستین (۱۳۸۸)، روح مکان، به سوی پدیدار شناسی معماری، چاپ دوم، ترجمه محمد رضا شیرازی، تهران، انتشارات رخداد نو.
۱۸. نوربرگ شولتز، کریستین (۱۳۸۲): گزینه ای از معماری، معنا و مکان، ترجمه ویدا نوروز برازجانی، تهران، انتشارات جان جهان.
۱۹. نوربرگ شولتز، کریستین (۱۳۵۳): هستی، فضا و معماری، ترجمه محمد حسن حافظی، تهران، انتشارات تهران.
۲۰. وینترز، ادوارد (۱۳۸۸): مبانی فلسفی و روانشناختی ادراک فضا، چاپ سوم، ترجمه آرش ارباب جلفایی، تهران، انتشارات خاک.
۲۱. هال، ادوارد (۱۳۷۶): بعد پنهان، ترجمه منوچهر طبیبیان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

(ب) انگلیسی

1. Altman, Irwin. Chemers, Martin. (1980); Culture and Environment. Monterey, Ca: Brooks / Cole.
2. Barker, R. g. (1968); Ecological Psychology: Concept and Methods for studing Environment of Humam Behavior, Stanford, CA: Stanford University Press.
3. Canter, D. (1986); Putting Situations in their Place Foundations for a Bridge Between Social and Environmetal Psychology In. A – Furnham (Ed), Social Behavior in Context, London: Allyn & Bacon.
4. Hall, Edward T (1966); The Hidden Dimension. New York: Doubleday.
5. Ittelson, W.H. (1973); Environmental perceptionmental Perception and Contemmporary Perceptual Thery, In W. H. Ittelson (Ed.), Environment and Cognition, new York: Academic Press.
6. Lewin, K. (1944); construct in Psychology and psychological Ecology, University of Iowa Studies in Child welfare, 20.
7. Norberg – Schultz, C. (1988); Architecture: Meaning and Place, New York: John Wiley & Sons.
8. Proshansky, H. M. Ittelson, w. & Rivlin, L. G. (Eds). (1970); Environmental Psychology: Man and his Physical Setting, New York: Holt, Rinehart and Winston.
9. Rapoprt, A. (1990); The Meaning of the Bulit Environment: A Non-verbal Communication Approach, Beverly Hills, CA: Sage.
10. Sommer, R. (1970); Personal Space: The Behavioral Basis of Design, Englewood Cliffs, NJ: Prentice – Hall.
11. Steele, J. (1997); An Architecture for People: The Compleete Works of Hassan Fathy, London: Thames and Hudson.
12. Stokols, D. &Altman, I. (Eds),(1987); Handbook of Environ,ental Psychology . New York: Wiley.

13. Tabaeian, Seyedeh Marzieh. Einifar, Alireza. (2011); A Study of the Perspectives of Architectural and Environmental Psychology. Tehran: International Journal of Architecture and Urban Development, 1, 27-32.
14. Wicker, a. (1979); An Introduction to Ecological Psychology, London, Cambridge University Press.